

تأثیر گذشت و تغافل در استحکام خانواده

فرج الله میرعرب*

مقدمه

یکی از عوامل مهم برای تحکیم روابط خانوادگی و رشد آن، چشم‌پوشی و گذشت از اشتباهات دیگران و نادیده گرفتن یا تغافل در برابر آنهاست. این صفت زیبا، یکی از عوامل مهم آرامش روانی و آسایش زندگی است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هر که از بسیاری امور تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی‌اش تیره می‌شود».^۱

به غیر از معصومین علیهم السلام، همه افراد خطا و لغزش دارند. دو نفر که با هم زندگی می‌کنند و از جهتی تشریک مساعی و همکاری دارند، باید لغزش‌های یکدیگر را ببخشند تا زندگی‌شان ادامه پیدا کند. اگر بخواهند در این باره سخت‌گیری کنند، ادامه همکاری غیر ممکن می‌شود. دوشریک، دو همسایه، دو دوست، دو همکار، دو نفر زن و شوهر باید در زندگی اجتماعی دارای گذشت باشند. هیچ زندگی اجتماعی‌ای به اندازه زندگی خانوادگی، نیازمند گذشت نیست. اگر اعضای یک خانواده بخواهند در مورد یکدیگر سخت‌گیری کنند و لغزش‌های یکدیگر را دنبال کنند، یا زندگی آن‌ها از هم می‌پاشد و یا بدترین زندگی را خواهند داشت.^۲ از این‌رو در صدر پیشنهادات قرآن و روایات، عفو (گذشت) و تغافل (چشم‌پوشی) است: «وَإِنْ تَغْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است».^۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این باره فرموده است: «همه مردم دارای خصلت‌های نیک و بد هستند. مرد نباید تنها جنبه‌های ناپسند همسر

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسررداری، ص ۱۱۱.

۳. تغابن: ۱۴.

خویش را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند؛ چه هر گاه از یک خصلت او ناراحت شود، خصلت دیگرش را دوست دارد و مایه خشنودی اوست»^۱.
 خرده و بی ادبی‌ها که برفت عفو کن، هیچ مکافات مکن^۲
 چنین نگاهی می‌تواند خانواده را از خطر سقوط و از هم پاشیدگی حفظ کند.
 فراوان همی بخشش و کم می‌شمار ز منت نهادن همی کن کنار^۳

معنای عفو و تغافل

«عفو»، گذشت از گناه دیگری است. در عفو شخص قصد دارد گناه آن کس را که در حقش ستمی کرده است، پاک کند.^۴ در عفو گناهکار می‌داند که فرد مورد ستم، از خطای او در حقش اطلاع دارد و طرف مقابل به او می‌گوید از گناه تو گذشتم. «تغافل» مصدر باب تفاعل و به معنای حالت غفلت به خود گرفتن است؛ یعنی انسان چیزی را می‌داند، اما به گونه‌ای وانمود می‌کند که من ندیدم، نشنیدم، نفهمیدم.^۵ در قرآن از واژه «تغافل» استفاده نشده است؛ بلکه کلمه «صفح» آمده است: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا». «صفح» به معنای در گذشتن و نکوهش نکردن است. صفح از کسی، به معنای بخششی است که از خطای فرد خطاکار چشم‌پوشی می‌شود؛ به گونه‌ای که گویا خطا را ندیده است. اگر کسی با شخصی که مشغول گناه است، روبه‌رو شود و به گونه‌ای رفتار کند که گویا ندیده است؛ صفح کرده است.^۶ در ادبیات اخلاقی به چنین رفتاری، تغافل گفته می‌شود. در واقع تغافل و چشم‌پوشی، به معنای همان ضرب‌المثل فارسی است که «شتر دیدی، ندیدی»؛ چنانکه باباطاهر خطاب به خداوند عرض می‌کند:
 از آن روزی که ما را آفریدی به غیر از معصیت چیزی ندیدی
 خداوندا به حق هشت و چارت ز ما بگذر شتر دیدی، ندیدی^۷

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۲۹؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۸.

۲. جلال‌الدین محمد بلخی، کلیات شمس تبریزی، غزلیات، غزل ۲۰۲۴.

۳. عبدالرحمن بن احمد جامی، مثنوی هفت اورنگ، خردنامه اسکندری، بخش ۱۳.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۷۴.

۵. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۴۱۹.

۶. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۸۶.

۷. بابا طاهر همدانی، دیوان بابا طاهر، دوبیتی‌ها، دوبیتی ۳۲۷.

اهمیت و بایستگی عفو و تغافل

در اخلاق الهی، عفو و تغافل در روابط انسانی جایگاه بسیار مهمی دارد؛ چنانکه فرمان خدای متعال در برابر خطاهای عموم انسان‌ها می‌فرماید: «وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟^۱ باید ببخشند و نادیده بگیرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟». این دستور، اصلی عمومی است؛ از این رو به یقین گذشت و چشم‌پوشی به نحو تغافل در ارتباط با اعضای خانواده اولویت دارد؛ زیرا تغافل، صفت اخلاقی مهمی است که در همه عرصه‌ها سرنوشت‌ساز است. از همین روست که امام علی علیه السلام فرموده است: «وَإِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ اِحْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ؛^۲ عاقل و خردمند، نصفش تحمل و بردباری است و نصف دیگرش تغافل و نادیده‌گیری». اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که اگر کوچکترین خطایی از سوی اعضا در محیط خانواده رخ دهد و به جای چشم‌پوشی، به آن خطا پر و بال داده شود؛ خانواده به جهنم تبدیل می‌شود. به همین دلیل است که عفو و صفا در بدترین شرایط، از ضروریات زندگی خانوادگی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ؛^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است».

در این آیه سه رفتار اخلاقی «عفو»، «صفا» و «غفران» آمده است که از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، سلسله مراتب بخشش گناه را بیان می‌کند؛ زیرا عفو به معنی صرف نظر کردن از مجازات و صفا، مرتبه بالاتری است؛ یعنی ترک هر گونه سرزنش، و غفران به معنی پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن است.^۴ در ابتدای آیه سخن از دشمنی همسران و فرزندان است، ولی در ادامه سخن از گذشت، پوشاندن خطا، چشم‌پوشی و بخشیدن به نحو فراموشی خطاست. پدر خانواده گاهی با دشمنی زن و فرزندانش مواجه می‌شود و مادر خانواده نیز ممکن است به همین شرایط دچار شود. آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است علت‌های دشمنی کم نیست؛ گاه می‌خواهید اقدام به کار مثبتی کنید مانند خدمات عمومی، هجرت تحصیلی، حرکت جهادی و

۱. نور: ۲۲.

۲. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۴.

۳. تغابن: ۱۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۶.

... دامان شما را می‌گیرند و مانع این فیض عظیم می‌شوند. گاه انتظار مرگ شما را می‌کشند تا ثروت شما را تملک کنند و ... این دشمنی گاه در لباس دوستی و به گمان خدمت است و گاه به راستی با نیت سوء و قصد عداوت و یا به قصد رسیدن به منافع دنیایی انجام می‌گیرد.

آثار عفو و تغافل در خانواده

بخشش و تغافل آثار ارزشمندی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. زندگی اخلاق‌مدارانه

عفو و تغافل، نقش مهمی در خوش گذشتن و سالم ماندن روابط خانوادگی دارند. گذشت شوهر از خطاهای همسر خود که از سر نادانی انجام داده است، زندگی را شیرین می‌کند؛ از همین روست که امام صادق علیه السلام در مورد وظایف شوهر فرمود است: «وَإِنْ جَهِلَتْ عَقْرَ لَهَا؛^۱ اگر زن دچار خطای جاهلانه شد، بر مرد است که با گذشت با او برخورد کند».

در همین حدیث لذت بردن از زندگی با همسر، منوط به همین صفت بخشش شده است. راوی این حدیث که اسحاق بن عمار است، نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام همسری داشت که حضرت را اذیت می‌کرد، ولی امام علیه السلام از خطای او چشم‌پوشی می‌کرد و او را می‌بخشید: «كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام امْرَأَةٌ وَكَانَتْ تُؤْذِيهِ فَكَانَ يَغْفِرُ لَهَا».^۲

از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «صَلَحَ حَالِ التَّعَائِشِ وَالتَّعَاشِرِ مِلْءُ مِكْيَالٍ ثَلَاثَةٌ فِطْنَةٌ وَثَلَاثَةٌ تَغَافُلٌ»^۳ مصلحت، همزیستی سالم و معاشرت با مردم، پیمانۀ پُری است که دو سوم آن زیرکی و هوشیاری و یک سوم آن تغافل (و نادیده گرفتن خطا) است».

این روایت ضمن تأکید بر تغافل مثبت، از تغافل منفی بر حذر می‌دارد. حدیث ابتدا تأکید به زیرکی و هوشیاری و ترک غفلت می‌کند و سهم آن را دو سوم می‌داند؛ به این معنا که انسان نباید از مسائل مهم زندگی بی‌خبر بماند؛ بلکه باید با کمال دقت، مراقب آنچه که خیر و صلاح او در آن است؛ باشد. از سوی دیگر نسبت به اموری که لازم است مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گیرد، دستور به «تغافل» می‌دهد؛ مانند دقت در مسایل جزئی زندگی که اهمیت چندانی ندارند و انسان را از رسیدگی به امور مهم باز می‌دارد. مخفی کردن عیوب پنهانی اعضای خانواده و

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۱۶.

۲. همان.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۹.

جامعه نیز در مواردی که مصلحت ایجاب می‌کند، در زمره تغافل قرار می‌گیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تغافل در برخی امور زندگی فرموده است: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَفَّصَتْ عَيْشَتُهُ»^۱ کسی که تغافل و چشم‌پوشی از بسیاری امور نکند، زندگی برای او ناگوار خواهد شد.

بنابراین از آنجا که زندگی خانوادگی خالی از اموری نیست که برخلاف توقع آدمی باشد، اگر انسان جزئیات زندگی اعضای خانواده را با کنجکاوی و دقت پیگیری کند و آن‌ها را مورد بازخواست قرار دهد؛ زندگی برای او و اطرافیانش تلخ می‌شود.

فراوان همی بخشش و کم می‌شمار
ز منت نهادن همی کن کنار^۲

۲. حفظ حرمت‌ها و ارزش‌ها

پدر و مادر و بزرگان خانواده و جامعه، باید مراقب حرمت‌ها و حریم‌ها باشند و نگذارند که جایگاه ارزشی آن‌ها نزد کسانی که با آن‌ها رابطه دارند؛ خدشه‌دار شود. امام علی علیه السلام در بیانی حکیمانه فرموده است: «وَعَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ... وَ لَا تَكُونُوا بَحَائِثِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ، فَيَكْثُرَ عَائِبُكُمْ... وَ تَكْرُمُوا بِالتَّعَامِي عَنِ الْأَسْتِصَاءِ»^۳ قدر و منزلت خود را با تغافل نسبت به امور پست و کوچک بالا برید... و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است، تجسس نکنید که عیب‌جویان شما زیاد می‌شوند... و با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید.

حدیث مذکور شرح آیه ۱۲ سوره حجرات است که می‌فرماید: «لَا تَجَسَّسُوا؛ موشکافی و تجسس نکنید». به همین دلیل است که حضرت فرموده است: «با چشم بر هم نهادن، از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید».

۳. حلم‌افزایی

حلم و بردباری، نقش بسیار مهمی در سلامت زندگی انسان دارد و در عصبانیت‌ها، عنصری مهم برای نجات از افراط و رفتارهای شرم‌آور است. تغافل، نقش مهمی در تقویت این صفت

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱.

۲. عبدالرحمن بن احمد جامی، مثنوی هفت اورنگ، خردنامه اسکندری، بخش ۱۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۶۴، باب ۱۶.

دارد؛ چنانکه از امام علی علیه السلام نقل شده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهِلِ لَا جِلْمَ كَالْتَّغَاوُلِ؛^۱ هیچ عقلی مانند خود را به نادانی زدن نیست، هیچ حلمی مثل خود را به غفلت زدن نیست».

۴. شایستگی ستایش مردم

کسانی که توان تغافل دارند، مورد ستایش دیگران قرار می‌گیرند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «تَغَاوُلُ يُحْمَدُ أَمْرًا؛^۲ چشم‌پوشی کن تا مورد ستایش قرار گیری». خدای متعال نیز در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران فرموده است: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» و بدین وسیله عفو کردن مردم را ستوده و این صفت را از اوصاف اهل تقوا شمرده است که سبب جلب محبت خداوند می‌شود.

عفو و تغافل یوسف علیه السلام

قصه حضرت یوسف علیه السلام، یک نمونه از تغافل و بخشش در ارتباط با اعضای خانواده است. وقتی سرقتی ساختگی به بنیامین - برادر حضرت یوسف علیه السلام - نسبت داده شد، برادرانی که آن همه ظلم در حق یوسف علیه السلام کرده بودند؛ تهمتی را که در کودکی به یوسف زده شده بود، تکرار کردند. آنان بی‌رحمانه گفتند که اگر این جوان دزدی کند، چیز عجیبی نیست؛ چرا که برادرش (یوسف) نیز قبلاً مرتکب چنین کاری شده است؛ زیرا که هر دو از یک پدر و مادرند و حساب آن‌ها از ما که از مادر دیگری هستیم، جداست. اگر چه آنان با این جسارت می‌خواستند خط فاصلی میان خود و بنیامین بکشند و سرنوشت او را با برادرش یوسف علیه السلام پیوند دهند، اما حضرت یوسف علیه السلام در عین رنجیدن، تغافل کرد و دروغ آنان را به رویشان نیاورد. قرآن در آیه ۷۷ سوره یوسف می‌فرماید: «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ».

ادامه ماجرا نشان می‌دهد که یوسف علیه السلام چقدر نسبت به اعضای خانواده و برادرانش گذشت نشان داد. قرآن در آیات ۸۹ تا ۹۲ سوره یوسف در مورد زمانی که برادران، یوسف علیه السلام را شناختند و از رفتارها و سخنان خود شرم‌منده شدند؛ می‌فرماید:

(یوسف) گفت: آیا زمانی را که نادان بودید، به یاد دارید که با یوسف و برادرش چه کردید؟ گفتند: شگفتا! آیا تو خود یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است ... گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و به راستی که ما خطاکار بودیم. (یوسف) گفت:

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲ و ۲۴۴.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۲.

امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

حضرت یوسف علیه السلام حتی منتظر عذرخواهی برادرانش نشد و آنان را بخشید. بر اساس این سبک زندگی قرآنی، افراد با ایمان در عین قاطعیت در حفظ اصول اعتقادی خویش و عدم تسلیم در مقابل همسر و فرزندان که با آنان دشمنی دارند و یا آن‌ها را به راه خطا دعوت می‌کنند، باید تا آنجا که می‌توانند در تمام مراحل از محبت و عفو و گذشت دریغ نکنند؛ زیرا چنین اخلاقی، وسیله‌ای برای تربیت و بازگرداندن آنان به خط اطاعت خداوند است.^۱ آنچه کردی انفعالش عذر خواهد، باک نیست

چشم‌ها روزی اگر با هم مقابل می‌شود

دیده را خونبار خواهد کرد از دیدار، زود

گر تغافل در میان زین‌گونه حایل می‌شود^۲

شرایط عفو و تغافل

۱. تغافل در مواردی است که عضو خانواده متوجه نشود که والدین خطایش را فهمیده‌اند و اگر متوجه شود، این تغافل نوعی بی‌تفاوتی پدر و مادر در مقابل اشتباه فرزندشان تلقی می‌شود و گناه برای فرزند عادی جلوه می‌کند. برای مثال فرزندی در مقابل پدرش به مادرش توهین می‌کند و پدر ضمن سکوت هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد. این سکوت نه تنها گذشت و تغافل نیست؛ بلکه باعث جری شدن فرزند در این عمل قبیح و زشت می‌شود.

۲. گذشت و تغافل و بخشیدن به این معنی نیست که به اعضای خانواده آزادی مطلق داده شود و هیچ‌گونه نظارت و ارشاد و هدایتی در کار نباشد؛ زیرا افراط در عفو و تغافل، فرد خطاکار را جسورتر و بی‌اعتنا نسبت به مسائل بار می‌آورد. از این رو باید برنامه تربیتی میانه انتخاب شود.

۳. شناخت مواردی که عفو و تغافل در آن‌ها جایز است، بسیار مهم است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «وَ عَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ»^۳ قدر و منزلت خود را با تغافل نسبت به امور پست و کوچک بالا ببرد.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۶-۲۰۴.

۲. کمال‌الدین محمد وحشی بافقی، گزیده برترین اشعار وحشی بافقی، غزلیات، غزل ۱۶۱.

۳. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۸۰.

این حدیث نشان می‌دهد که تغافل مربوط به امور مهم و سرنوشت‌ساز زندگی نیست؛ بلکه مربوط به امور جزئی و مسائلی است که در زندگی نقش حیاتی و سرنوشت‌ساز ندارند. بنابراین تغافل، منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده ندارد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر مربوط به واجبات و محرمات است که از محدوده تغافل بیرون است و انتقاد سازنده، مربوط به اموری است که در سرنوشت فرد و جامعه اثر قابل ملاحظه‌ای دارد؛ در حالی که تغافل مربوط به امور جزئی و شخصی و یا عیوبی است که مصلحت در پرده‌پوشی و مخفی ماندن آن است.^۱

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
۳. امینی، ابراهیم، آیین همسررداری، چاپ بیست و نهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۴. بلخی، جلال‌الدین محمد، کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ اول، تهران: راد، ۱۳۷۵ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۶. جامی، عبدالرحمن بن احمد، مثنوی هفت اورنگ، تصحیح جابلقا دادعلیشاه، تهران: مرکز مطالعات ایرانی، ۱۳۷۸ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ ششم، قم: منشورات شریف رضی، ۱۳۹۲ق.
۹. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، چاپ دوم، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ش.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۱. لیتی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.

۱. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۵۳.

نقش گذشت و تغافل در استحکام خانواده ■ ۱۷

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۱۴. _____ و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۱۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۶. وحشی بافقی، کمال الدین محمد، گزیده برترین اشعار وحشی بافقی، چاپ اول، قم: انتشارات نسیم بهشت، ۱۳۹۶ش.
۱۷. همدانی، بابا طاهر، دیوان بابا طاهر، چاپ اول، تهران: انتشارات شفیعی، ۱۳۹۹ش.